

نقد و حال، گزاره آراء، و گزیده آثار فارسی  
عین القضاة همدانی

فلسفه

نجیب مایل هروی



- سرشناسه: مایل هروی، نجیب، ۱۳۲۹ -
- عنوان و نام پدیدآور: خاصیت آیینگی: نقد حال، گزاره آرا، و گزیده آثار غزالی  
عین‌القضاة همدانی/ نجیب مایل هروی.
- وضعیت ویراست: ویراست ۲.
- مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.
- مشخصات ظاهری: چهارده، ۴۵۴ ص.
- شابک: 978-964-312-191-4
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیا!
- یادداشت: کتابنامه: ص ۴۱۶-۴۲۳
- موضوع: عین‌القضاة، عبدالله بن محمد، ۴۹۲-۵۲۵ ق.
- موضوع: عرفان، تصوف
- رده‌بندی کنگره: BP ۲۷۹ / م ۲ ۱۳۸۹
- رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷/۸۹۲۴
- شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۷۰۱۶۴



نشرنی

خاصیت آینگی  
نقد حال، گزاره آرا، و گزیده آثار فارسی  
عین القضاات همدانی  
نجیب مایل هروی

چاپ دوم تهران، ۱۳۸۹

تعداد ۱۰۰۰ نسخه

قیمت ۱۲۰۰۰ تومان

لیتوگرافی باختر

چاپ غزال

ناظر چاپ بهمن سراج

---

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،  
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)  
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

---

شابک ۴ ۱۹۱ ۳۱۲ ۹۶۴ ۹۷۸

[www.nashreny.com](http://www.nashreny.com)

## یادداشت

در طول ده ماه که به فراهم کردنِ خاصیتِ آیینگی اتمام داشتم، شبی نبود که ذهنم از نامگذاری و تسمیهٔ این دفتر فراغ خاطر یافته باشد. از آغاز کار بر آن بودم که تعبیر «عادت پرستان» را نام این دفتر سازم یا «ستیز با عادت پرستی» را؛ چرا که عین القضاة همدانی ستیهنده‌ترین عارف ماست که با عادات روزمرهٔ عوامانه و خواصانه در ابعاد گستردهٔ آن سر ستیز داشته است. این ستیز به قدری در آثار او مجال طرح یافته است که دقیقاً بخشی از لحن او شده است و نیز یکی از عوامل سبک‌شناسانهٔ آثارش. البته این عنوان با توصیه و راهنمایی خود عین القضاة هم سازگار می‌نماید، او خطاب به خوانندهٔ آثارش می‌نویسد:

ای عزیز! اگر خواهی که جمال این اسرار بر تو جلوه کند از عادت پرستی دست بردار که عادت پرستی، بُت پرستی باشد... هرچه شنوده‌ای از مخلوقات، فراموش کن و هرچه شنوده‌ای، ناشنوده گیر، و هرچه بر تو مشکل گردد جز به زبان دل سؤال مکن.

دوماهی گذشت، با خود گفتم که عنوان مزبور به ذوق عادت پرستان روزگار ما بر می‌خورد و آنان را از روی آوردن به این دفتر باز می‌دارد. از این رو با توجه به سرگذشت قاضی، خود تعبیری پرداختم که این دفتر را با آن نامزد کنم: او به پایان راه خود نرسید. ساعتها به این نام پیچیدم که حاصلش چیزی نبود جز گسترده شدن تعبیر مذکور:

□ او به پایان راه خود نرسید

وگر «مسلمان برونان کافر اندرون» می‌گذاشتندی

هزاران حجاب، هزاران نقاب

از اقلیم شناسایی، وز بهرِ رهایی، می‌درید  
 که جهان را، بل جان و جهان را  
 با «خاصیت آبنگی» خویش می‌دید.  
 □ غریبانه، در بغداد، شکوا کرد، اما  
 جاهلانه، آن وزیر تزویر  
 تنش را سوخت، پوستش درید  
 و او مست بود هشیار  
 و او رند بود بیدار  
 قدحی پُر ز خون در دل داشت  
 ز «عادتِ پرستی»، ز «عادتِ پرستان»  
 بُد سخت بیزار  
 □ اگر چه او با بایزید، با حلاج  
 با آن «ده تن» که خود می‌شناخت  
 به سوی «کفر»ی که حقیقتش می‌یافت  
 شتابان و خروشان بشتافت  
 اما، جانم فدایش باد، که  
 به پایانِ راهِ خویش دست نیافت

اما سرانجام این پرسش که «او به پایان راه خود نرسیده؟» - حتی به حالتِ استفهامِ  
 اعجابی آن - شک و تردیدم را نسبت به این نام نیز برانگیخت. باز بر آن شدم که  
 مصراع‌ی از آثارِ خودش را نام و نشان این دفتر سازم: کاشکی اندر جهان شب نیستی -  
 زیرا قاضی توصیه کرده است که: «جوانمردا! عارف همه روز در آفتاب نظاره کند،  
 مساکینِ اهلِ غفلت چه دانند که او چه می‌کند و چه می‌گوید، آن نظارهٔ قیومیت است و  
 تسبیحِ جانِ عارفان همه این بود که

کاشکی اندر جهان شب نیستی  
 تا مرا هجرانِ آن لب نیستی

این هم چند صباحی پذیرفته شد، زیرا، هر چند، «شب» در منظومهٔ فکری قاضی، بارِ  
 معناییِ جهل، غفلت، ظلم، ظالم و ظلمت را به همراه دارد ولیکن آن سنتِ ارزندگی که  
 عارف در ورای «شب» ساخته است و هم آدابِ تأمل و تفکر در روزگارِ ما، که نطفه‌اش  
 بیشتر در شب بسته می‌شود، هنوز «شب» را به حیثِ سمبولی که بارِ معنایی منفی داشته

باشد، موضوعیت نمی‌دهد. این همه وسواس در تسمیه این دفتر به کار رفت، ولی سرانجام به تعبیر زیبایی از خود قاضی روی آورد: خاصیت آیینگی. تعبیری که هم بر وجوه عرفانی او اشتمال دارد و هم ستهندگیهای اجتماعی - سیاسی او را در بر می‌گیرد. از اینها که بگذریم به راستی که عین‌القضات به «آینه» مانندگی داشته است، چون «آینه» زیسته است، «آینه‌ای عَمَّاز\*». مگر نه این است که او در سرتاسر عمر کوتاها فرهنگیش - نه طول سی و سه سالهٔ زمانیش - در مقابل ابتدالِ دسته جمعی استاد و زشتی همه، بل بیشترینه آنها را نشان داد، در عین حال که اصالتها و ارزشهای آینهٔ فردی خود را هم حفظ کرد، هرچند همین ابتدالِ دسته جمعی سرانجام او را - آینه را - نابود کرد اما راستی را آیینگی را و خاصیتهای آینه را هم نابود کرد؟

به هرگونه، این نام قلم را آرام کرد، از صمیم جان آن را پذیرفتم و بر این دفتر گذاردم؛ زیرا صرف نظر از آنکه آینه در سنت عرفانی ما سرشار از اندیشگی - خصوصاً اندیشه‌های عرفانی - است و مملو از طنزهای اجتماعی و مضامین ادبی\*، همچنان که گفته شد، قاضی به راستی چون آینه بود، چون آینه زیسته، آینه‌ای صاف و روشن، اما دریغ که این آینه به دست زنگیان و کوران افتاد، و چون نتوانست عکس زشت آنان را زیبا نماید - آینه کی برهم خورد از زشتی تماشاها - آن زنگیان زشت زشت کردار و کوران کوردل بیمقدار، سرانجام او را بر زمین کوبیدند و شکستند و نام این خطای خود را هم گذاردند حراست از حریم!...

با شکستن آینه، خاصیتهای آیینگی شکست، خاصیتهای آیینگی در لابلای خُرده‌ها و نرمه‌های آینه، به نام آثار و نگارنده‌های او به ما رسید که پُر است از نشانه‌ها و ویژگیهای مردمی و پرورندگی. این آثار دقیقاً نشان می‌دهند که عین‌القضات کرداری به سان گفتارش داشته است، گفتارش پُر است از صدق و خلوص و راستی و راست‌کاری و راست‌بازی و راست‌باوری و راست‌نمایی و... و قطعاً کردارش نیز چنین بوده است، همچون گفتارش بزرگ، که جهان امروز مسلماً به وجود آنان احساس نیازمندی دارد. امروز نگارنده‌های عین‌القضات - همانند آثار نویسندگان متفکر دورهٔ تجدید مغرب زمین - می‌تواند به بخشی از نیازهای آدمیان پاسخهایی داشته باشد. مگر می‌توان از آینه بی‌نیاز بود؟ امروزه چه زشت و چه زیبا، به همه حال به آینه نیازمندند، آینه‌ای که باطنی

\* آینه‌ات دانی چرا غماز نیست / زانکه زنگار از رُخش ممتاز نیست (مثنوی مولانا، ب ۳۴).

\*\* نک: سنائی غزنوی، حدیقة الحقیقه، ۲۹۰؛ سنجید با تفسیر مولانا در مجالس شیعہ، ۳۰ - ۳۱؛ نیز نک:

آنان را، روح و روان آنان را بنمایاند. از این رو نگارنده بر آن شد تا قدری از زنگارهای جانبی و عارضی را از گوشه و کناره آن آینه بزدايد، باشد که نسل جوان، گوشه چشمی به این کناره و گوشه آینه اندازد و زیبایی و زشتی روح و روان روزگارش را در آن بنگرد. با چنین تیتی، این دفتر را به پیشنهاد عزیزمان جناب آقای جعفر همایی - خدایش حفظ کند - با این هدف فراهم کرد که:

آگاه شوند مگر ز حُسنش

آینه به دست یار دادم

نجیب مایل هروی

شهریور ۱۳۷۳

## فهرست مطالب

یادداشت / وسواس در نامگذاری این دفتر هفت - ده

### I

#### مقدمه

#### نقد حال، توصیف آثار و گزاره آرای عین القضاة همدانی

۱. عمری کوتاه، با پایانی اندوهبار: خانواده قاضی \* زادگاه، نام و نشان ۴ \* دوران کودکی ۵
- \* ایام نوجوانی و جوانی ۶ \* خودآموزی، مطالعه آثار ابو حامد غزالی ۷ \* آشنایی با احمد غزالی ۱۰ \* چگونگی رابطه قاضی با احمد غزالی ۱۲ \* قاضی و پیران خراسانی ۱۴ \*
- \* آشنایی با پیران ولایت جبال ۱۶ \* شیخ بزرگه ۱۶ \* آموخته‌های قاضی از بزرگه ۱۷ \*
- دیگر پیران ولایت جبال ۱۸ \* قاضی و حقایق یونانی، وشاگردی ختیم ۱۹ \* شیخ قاضی: عشق ۲۲ \* قاضی، عارفی دانشمند ۲۵ \* قاضی با مریدان ۲۵ \* متهم کردن قاضی ۲۷ \* دستگیری و حبس او در بغداد ۲۸ \* قاضی در زندان بغداد ۳۱ \* اتهامات قاضی ۳۲ \* چگونگی شناخت نبوت ۳۲ \* قدم عالم ۳۳ \* نشر آرای اسماعیلیه ۳۴ \*
- پرداختن به اصطلاحات، فنا و تلاشی و سطحات صوفیه ۳۴ \* تنهاماندن قاضی، و احساس تنهایی ۳۷ \* شب قتل و شهادت، و فردای آن ۳۸ \*



۲. گزارش آثار: اهمیت آثار عین القضاة ۴۰ \* روایی آثار او در تاریخ تصوف ۴۲ \* آمیختگی مستی و نشاط و حزن در آثار قاضی ۴۳ \* آثاری که تا ۲۴ سالگی نوشته است ۴۵ \* در باره فهرست خود نوشت او از آثارش ۴۶ \* زبدة الحقائق ۴۷ \* تمهیدات، خلاصه، و گزاره آن ۴۹ \* نامه‌ها، و نسبت آنها با تمهیدات ۵۱ \* ارزش و الای نامه‌های قاضی ۵۴ \* نامه‌های مشترک او و احمد غزالی ۵۶ \* عینیه ۵۷ \* قاضی و شعرشناسی، و مجموعه اشعار تازی او ۵۷ \* شکوی الغریب، آخرین اثر قاضی ۶۰ \* آثار مشکوک و منسوب به قاضی ۶۱ \*

۳. پسندهای عرفانی و منظومه فکری عین القضاة: عامل سبک‌شناسانه در نگارشهای قاضی ۶۴ \* لحن و زبان قاضی ۶۵ \* قاضی و دستگاه سیاسی ترکان ۶۷ \* عادت‌ستیزیهای قاضی ۶۹ \* نقد و تعریضهای او از علمای روزگار ۷۰ \* ستیز با فلسفه و فلسفی ۷۳ \* ابن سینا در نظر قاضی ۷۵ \* ستیز با علم کلام ۷۷ \* شناخت قاضی از ابوحامد غزالی ۷۹ \* قاضی و اصل دعوت اسماعیلیه ۸۰ \* درستی اصل همه مذاهب ۸۲ \* جایگاه قاضی در تصوف ملامی ۸۳ \* قاضی و تعبیر خانقاهی ۸۴ \* زهد و زاهد در نظر قاضی ۸۵ \* قاضی و مفاهیم صوفیانه ۸۵ \* عشق: مذهب خدا ۸۶ \* قاضی در عالم تمثّل و نمایش ۸۸ \* عالم خارج یا تمثیل عالم باطن ۹۰ \* تمثّل، طریق بیداری و تفکر ۹۰ \* شهود زیبایی در شاهد مجازی ۹۲ \* قاضی و استمرار تصوف خراسان ۹۳ \* ابوسعید ابوالخیر در نظر قاضی ۹۴ \* مسعودبک نخشی و شناخت قاضی از ابوسعید ۱۰۰ \* شیفتگی قاضی به محبّت «کفر حقیقی» و «اسلام مجازی» ۱۰۱ \* جایگاه تصوف قاضی در متن حیات و زندگی ۱۰۱ \* نظریه ابلیس‌شناسی قاضی ۱۰۴ \* دوگرایی یا «دوآلیستی» قاضی ۱۰۷ \* گناه ابلیس به نظر قاضی ۱۰۸ \* نورتیت ابلیس ۱۰۹ \* فتوت ابلیس ۱۱۰ \* انسان مختار مضطر و مجبور قاضی ۱۱۱ \* اختیار اضطرابی و دعوت انبیا ۱۱۳ \* مانندگی قاضی به حلاج ۱۱۴ \* صدای قاضی را در تاریخ که شنید؟ ۱۱۵ \* یگانه پیرو قاضی در تاریخ تصوف ۱۱۶ \* نظیرسازی تمهیدات قاضی ۱۱۷ \*

## II

### گزینه آثار

۱. تهمیدات: همه او، در همه او ۱۲۸ ⊕ مُفْتِي دِل ۱۲۹ ⊕ فتوای دِل ۱۳۱ ⊕ مذهب مطلوبان راه دِل است ۱۳۱ ⊕ اشنای درون ۱۳۵ ⊕ سه گونگی آدمی ۱۳۶ ⊕ بهشت عاقه زندانِ خواص است ۱۳۹ ⊕ خلق به ظاهر قرآن عادت کرده‌اند ۱۴۰ ⊕ هم من منم، هم تو توی، هم تو منی ۱۴۲ ⊕ ز عادت پرستی بدر شو ۱۴۸ ⊕ کاشکی همه جهانیان عاشق بودندی ۱۵۰ ⊕ عشق‌ها سه گونه آمد ۱۵۳ ⊕ مذهب عاشق ۱۶۰ ⊕ نمایشهای بی‌نشانِ معشوق ۱۶۰ ⊕ من خود خود را که خود منم یکتایی ۱۶۲ ⊕ گئی بُود جاناکه آتش اندرین عالم ز نیم ۱۶۳ ⊕ عشق او پاک است و صافی از چنین و از چنان ۱۶۵ ⊕ نور سپید، نور سیاه ۱۶۷ ⊕ ایمانِ محمد بی‌کفرِ ابلیس نتوانست بودن ۱۷۰ ⊕ گناه ابلیس عشقِ او آمد با خدا ۱۷۲ ⊕ ای کاشکی من آن کفر بودمی که دین اوست ۱۷۶ ⊕ دخول به کفر حقیقی ۱۸۱ ⊕ همه بر یک دین اند، تشبیه و غلط آنان را دور انداخته است ۱۸۳ ⊕

۲. نامه‌ها: سخنِ قاضی در باره نامه‌هایش ۱۸۶ ⊕ صد دله یاری و یارِ یکدله‌خواهی؟ ۱۸۷ ⊕ محبت از پس معرفت حاصل آید ۱۸۹ ⊕ چون به عالم عشق رسی، بدانی... ۱۹۰ ⊕ اندر ره عشق یا تو گنجی یا من ۱۹۱ ⊕ قلم تکلیف برخواست از عاشق ۱۹۳ ⊕ نازِ معشوق خواستن طمع تردمانان است ۱۹۴ ⊕ آن سرورِ مهجوران: ابلیس ۱۹۶ ⊕ آن خواجه‌خواجگان: ابلیس ۱۹۷ ⊕ ... ولیکن کسی نمی‌یازد خجیدن ۱۹۹ ⊕ سگ داند و کفشگر که در اتیان چیست ۲۰۱ ⊕ اهل زبان دیگرند و اهل دِل دیگر ۲۰۲ ⊕ دینِ عارف با دینِ پیرزنان برابر باشد ۲۰۵ ⊕ این شعرها را چون آینه دان ۲۰۹ ⊕ هنر محبوب همه عالم است ۲۱۰ ⊕ این جهان، جهانی دیگر است ۲۱۱ ⊕ نیتِ مؤمن بُود به از عمل ۲۱۳ ⊕ هرکسی چیزی همی گوید ز تیره‌رای خویش ۲۱۷ ⊕ خدای بهتر داند که اسرافیل؟ ۲۲۱ ⊕ این خلق از سلطان ترسند و از خدای نه ۲۲۴ ⊕ خدمتِ کفشِ مردان به از خدمتِ سلطان محمود ۲۲۸ ⊕ اَطْلُبُوا الدُّنْيَا وَلَوْ بِالْقَصِينِ؟ ۲۳۰ ⊕ علم آموز، دنیا نیندوز ۲۳۱ ⊕ امروز علما را به طلیسان و استین فراخ شناسند ۲۳۳ ⊕ بُلُغْجَبِ قَوْمِي که در قرآن تناقض دیدند ۲۳۴ ⊕ کس را نرسد که این چرا یا آن چون ۲۳۷ ⊕ گویندگان از راه علم دیگرند و بازگویان از راه

حفظ دیگر ۲۲۸ ⊕ نسبت آدمی و آدمی‌گری ۲۴۰ ⊕ کاشکی نادان شدمی تا از خود  
خلاص شدمی ۲۴۲ ⊕ یا خدا ذوال بازی نتوان ۲۴۴ ⊕ راهنمایان همه یا اغلب گمراهند  
۲۴۶ ⊕ تقلید و تعصب مزاج دل را تباه سازد ۲۴۹ ⊕ نامی شنوده و مفهومی ندانسته  
۲۵۰ ⊕ برابری مذاهب ۲۵۴ ⊕ فساد در مذاهب چگونه پیدا شد ۲۵۶ ⊕ اغلب مذاهب  
به روزگار محرف شد از ناقلان بد ۲۵۸ ⊕

۳. رساله جمالی: فصل اول: مثال پیامبران مثال طیبیان است ۲۶۴ ⊕ فصل دوم: علاج  
بیماران بر پیامبران واجب است ۲۶۶ ⊕ فصل سوم: اجتناب کردن از خواندن علم کلام  
۲۶۷ ⊕

پایان / بیش از این اسرار بر صحرا منبه ۲۶۹

### یادداشتها و توضیحات

۱. تمهیدات ۲۷۱ ⊕

۲. نامهها ۳۴۹ ⊕

پیوست: شعر و شعرشناسی عین القضاة ۴۰۳ ⊕

فهرستهای راهنما ۴۱۵ ⊕ مشخصات مأخذ ۴۱۷ ⊕ فهرست آیات قرآن ۴۲۵ ⊕ فهرست

احادیث و اقوال ۴۳۰ ⊕ فهرست اشعار ۴۳۴ ⊕ فهرست لغات و نوادر ترکیبها ۴۳۷ ⊕

فهرست نام کسان، کتابها و جایها ۴۴۸ ⊕

# I

مقدمه

نقد حال، توصیف آثار و گزاره آراء عین القضاة

۱ عمری کوتاه، با پایانی اندوهبار

۲ گزارش آثار

۳ پسندهای عرفانی و منظومه فکری عین القضاة

یادداشتی درباره این دفتر، و اشاره‌ای

به تحقیقات معاصران درباره عین القضاة